

درس ششم: مهارت های کلیدی تصمیم گیری

از طلاب فراگیر انتظار می رود پس از مطالعه این درس:

- بتوانند هشت مهارت کلیدی که تصمیم گیری و حل مسئله به آنها وابسته است را فهرست کنند.
- بتوانند هر یک از مهارتهای هشت گانه را به صورت کوتاه و مختصر توضیح دهند.
- با مرور تصمیم های قبلی خود (خصوصاً آنهایی که نتایج مطلوب به همراه نداشته اند) برآورد کنند که از میان این هشت مهارت، بهبود در کدام موارد برای آنها در اولویت قرار دارد.

همه ی ما علاقمند هستیم که مهارت خود را در تصمیم گیری بهبود دهیم و کیفیت تصمیم های خود را افزایش دهیم. قاعدتاً با همین هدف، در حال مطالعه مجموعه درس های مهارت تصمیم گیری در سایت مسیر طلبه هستیم. اما برای اینکه بتوانیم این کار را به شکلی اثربخش انجام دهیم، لازم است ابتدا به صورت مشخص بدانیم که کدام بخش های مهارت تصمیم گیری، برای ما اولویت بالاتری دارند.

در کتابی به نام **انتخاب های هوشمندانه**، یک مدل هشت بخشی ارائه شده است تا به کمک آن، بتوانیم **جغرافیای مهارت تصمیم گیری** را بیشتر و بهتر بشناسیم. در این کتاب، هشت مولفه ی زیر به عنوان مولفه های اصلی در تصمیم گیری مطرح شده است:

۱. مسئله را درست تشخیص بدهیم: Problem

سوال واقعی چیست؟

آیا واقعاً الان بحث سر این است که باید در آزمون کدام مرکز یا موسسه تخصصی حوزوی شرکت کنم؟ یا ماجرای اصلی این است که اصلاً برای ادامه تحصیل در سطح دو به مراکز تخصصی بروم یا به صورت عمومی ادامه تحصیل دهم؟

آیا بحث سر این است که می خواهیم تشکیل خانواده بدهم یا نه؟ ممکن است مسئله این باشد که: می دانم می خواهم ازدواج کنم. اما نمیدانم قبل از اتمام سطح یک اقدام کنم یا پس از قبولی در یکی از مراکز تخصصی و روشن شدن تکلیف آینده طلبگی ام؟

آیا بر سر هجرت به قم و ادامه تحصیل در آنجا مانده ام؟ یا اینکه مسئله ی الان من، انتخاب مناسب ترین موسسه یا مرکز تخصصی و رشته متناسب با تیپ شخصیتی من در قم است؟

با اینکه چندین جلسه با دوستان گروه تبلیغی جهادی، برای تصمیم گیری در مورد مقصد تبلیغی برگزار کرده ایم هنوز به نتیجه نرسیدیم. شاید مشکل اینجاست که هنوز تصمیم نگرفته ایم ایام پایانی ماه صفر به زیارت اربعین برویم یا برای تبلیغ در روستاهای مدنظر عازم شویم.

برای تشخیص درست مساله اصلی خود باید هنر تشخیص و تعریف مساله را بیاموزیم که خود یک مهارت جداگانه را تشکیل می دهد.

- آیا این مساله به من مربوط است
- آیا نام و شرح درستی برای آن انتخاب کرده ایم
- آیا در دایره تخصص من جا دارد
- آیا افق زمانی درستی برای حل آن در نظر گرفته ام

۲. نتیجه مورد انتظار ما از این تصمیم چیست؟ Objectives:

اگر می‌خواهم در مورد هجرت به قم تصمیم بگیرم، هدف نهایی و خروجی مورد انتظارم چیست؟ به دنبال فضای تحصیلی با سطح بالاتری هستم؟ زندگی در محیطی آرام؟ دور بودن از بستگان برای محض شدن در درس و بحث؟ نتیجه‌ی این تصمیم، باید چه منافعی را برای من تامین کند؟ چه ترس‌هایی را کاهش دهد؟ چه امیدهایی را افزایش دهد؟ چه ملاک‌های مهمی دارم که نباید نقض شوند؟ چه مرزهای اخلاقی که نباید از آنها عبور کنم؟

۳. چه گزینه‌هایی پیش روی من وجود دارد؟ Alternatives:

گاهی اوقات، ما تنها یک راه پیش رو داریم. اما متوقف می‌شویم و احساس می‌کنیم که با یک تصمیم مواجهیم. فکر می‌کنیم با عقب انداختن، اتفاقی می‌افتد. یا خودمان را فریب می‌دهیم که در حال تصمیم‌گیری هستیم. از سوی دیگر بعضی وقت‌ها، واقعاً گزینه‌های متعددی می‌توانند وجود داشته باشند. اما ذهن ما از دیدن گزینه‌ها یا خلق گزینه‌ها ناتوان است. در این حالت، چون فکر می‌کنیم انتخابی نداریم، وارد مسیر نادرست می‌شویم (یا از مسیر نادرست خارج نمی‌شویم).

۴. هر گزینه به چه نتیجه‌ای منتهی می‌شود؟ Consequences:

زندگی طلبگی من پس از تحصیل در رشته تبلیغ تخصصی چگونه خواهد بود؟ ادامه تحصیل در سطح دو در قم چه تفاوتی با مشهد دارد؟ تفاوت زندگی طلبگی در قم یا مشهد با زندگی طلبگی من در بیرجند چیست؟ اگر مدرک دکترای فلسفه و کلام از دانشگاه رضوی مشهد داشته باشم، زندگی‌ام چه تفاوتی با امروز – که مدرک سطح دو عمومی دارم – خواهد داشت؟ اگر امروز به عنوان اعتراض به مطلوب نبودن روش تدریس استاد، در امتحان هفتگی شرکت نکنم فردا چه عواقبی خواهد داشت؟

۵. برای به دست آوردن هر چیزی، چه چیزهایی را باید از دست بدهم؟ Tradeoffs:

دنیای ما با یک دنیای کامل رویایی، فاصله‌ی زیادی دارد. هرگز هم، قرار نبوده و قرار نیست که به یک رویا نزدیک بشود. نتیجه این‌که: هر به دست آوردنی، با از دست دادنی همراه است و مهم است که من، به همان اندازه که به دستاوردهای هر انتخاب فکر می‌کنم، با خودم بیندیشم که هر انتخاب، من را از چه فرصت‌ها و هدف‌هایی دور می‌کند و کدامیک از داشته‌هایم را از من می‌گیرد.

۶. چه چیزهایی را نمی‌دانم؟ چه چیزهایی را نمی‌توانم بدانم؟ Uncertainties:

کیفیت تصمیم گیری معمولاً با افزایش حجم و کیفیت اطلاعات، بهتر می‌شود. هرگاه با تصمیم مهمی مواجه می‌شویم، می‌کوشیم تا حد امکان، اطلاعات بیشتری جمع‌آوری کنیم و با مطالعه و بررسی و تحقیق و مشورت، راه‌ها و انتخاب‌های پیش‌رو را بهتر بشناسیم و ارزیابی کنیم. اما یک نکته را نباید فراموش کنیم:

بعضی چیزها را نمی‌دانیم. بعضی چیزها را نمی‌توانیم بدانیم. این دو را نباید با هم اشتباه گرفت. آنچه نمی‌دانیم، در اثر بررسی مشخص می‌شود و آنچه نمی‌توانیم بدانیم، ابهام اجتناب‌ناپذیر است. ابهامی که فقط پس از انتخاب رفع می‌شود.

۷. تحمل ریسک من چقدر است؟ Risk Tolerance

هر وقت از ابهام حرف می‌زنیم، باید به ریسک‌پذیری هم فکر کنیم. ما انسان‌ها از نظر میزان تحمل ریسک با یکدیگر تفاوت داریم. حتی اگر شرایط استعداد و تخصص تحصیلی ما یکسان باشد، باز هم آنچه برای شما، یک آزمون معمولی و آسان است، برای من ممکن است بزرگترین ریسک زندگی طلبگی محسوب شود. به همین علت:

گاهی اوقات،
دو فرد متفاوت در شرایط کاملاً یکسان،
باید گزینه‌های متفاوتی را انتخاب کنند.
چون سطح ریسک‌پذیری آنها متفاوت است.



۸. تصمیم‌های مرتبط با این تصمیم، چه هستند؟ Linked Decisions

تصمیم امروز من، فرصت‌ها، تصمیم‌ها و انتخاب‌های جدیدی را در آینده پیش‌روی من قرار خواهد داد. همچنین، فرصت‌ها و تصمیم‌ها و انتخاب‌هایی را برای همیشه از مسیرم حذف خواهد کرد. آیا از توانایی تصور، تحلیل و ارزیابی آنها برخوردار هستیم؟

اندکی تامل:

برخی از تصمیم‌های **ناموفق** یا **نامطلوب** گذشته‌ی خودتان را مرور کنید. نقش این هشت مهارت در آن تصمیم‌ها را بیابید. به نظرتان، در کدامیک از این هشت مهارت، بیشتر از بقیه ضعف داشته‌اید.

سپس به نیت مباحثه برای دوستان خود هم توضیح دهید که چرا فکر می‌کنید به علت ضعف در آن مهارت هزینه داده‌اید.